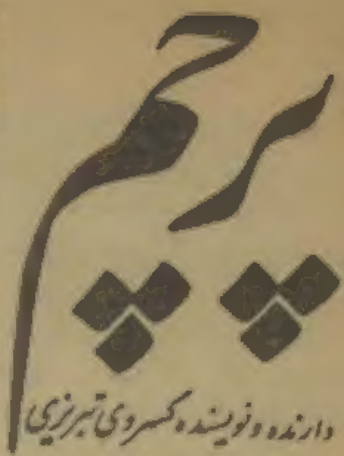


شماره ۱۷۷



دانشمند و نویسنده کسروی تبریزی

بهای اشتراک  
سالانه ۲۰۰ ریال  
شش ماهه ۱۰۰ ریال  
سه ماهه ۵۰ ریال  
یک ماهه ۲۰ ریال

جای اداره  
میدان لاله زار خروجی تهران بازار مخابراتی  
کلیه ۹۰۴۹  
تلف شماره ۵۰ دینار

### باید جنگ را بادیها کرد

از گفتارهایی که در سه شماره گذشته نوشتیم کسانی پنداشته اند که ما می گوئیم جنگ باشد با می گوئیم در زندگانی بیکدیگر نیست چون گاهی چنین سببی گفته شده و در برخی کتبها نیز هست پنداشته اند ما نیز چنان می گوئیم این دوروزه برخی از ایشان بر شهبانی ازمن کرده و چنین خواسته اند که ایرادهایی بگیرند.

می گوئیم: ما نگفتیم جنگ باشد با نگفتیم در زندگانی بیکدیگر نیست سببی ماچیز دیگر بود و از جنگهای پیوسته امروزی که مصطفی برای آنها توان پنداشت گفتگو می کردیم و نگوئیم می نمودیم. اگر کسانی میخواستند اندیشه مسا را در باره جنگ پنداشتند ما می گوئیم: باید جنگ با بادیها کرد.

ما می گوئیم: آدمی برگزیده آفریده گشت. خدا او را آفریده و کارهای جهان را بسپارد. آدمیان باید جهان را آباد گردانند و آثار از بادیها بیارند. باید مار و کدو و چایچه و دیگر حشرات آذوقه را بکشند و تصفیان برانداخته گریک و بلیک و کنتر و روبه و دیگر درندگان را نابود گردانند. با بیابانها بیرون کرده زبان آنها را هر چه کثرت سازند از دزدان و آزمندان و سبکگرا و دیگر بدکاران جلو گیرند و فرستنی بآنان ندهند. اینها وظیفه آدمیانست و برای این کارها کار نیاز بیکدیگر افتاد از آنجکه باز باید ایستاد.

مردمی که بیک پادشاه خود گماشته ای و با بیک دشمن مستحکم چار گردیده و آزادی خود را از دست داده اند باید بیکدیگر تآان را بدست آورند و این جنگ کوشش در راه برکت و مردانگیست. توده ای که دشمن آفرینده را در مرز دهنه کشور خود را در خطر می یابند باید بیولوژی بر خیزند و از کشتن و کشته شدن بیکدیگر نهراند. اینگونه جنگها تنها بدینست خود نیکست. ما در راه همین گفتارهای خود بیکدیگر خواهیم پرداخت و کون نیز در بیک جنگ و کشتار میبایست ما اگر جنگ را روانه سازیم چگونه خواهیم توانست که از جنگ جلو گیریم.

کسانی همیشه در جستجویند که ازمن بیک اشتباه بدست آورند و آن را عنوان غرور کرده گیری سازند. ولی بدانند که چنان عنوانی بدستشان نخواهد افتاد. ما این عنوان را بهوس با بدلهای نوبیسم که جای ایراد بیاز باقی.

برخی نیز چنین میگویند: جنگ بهرانی که باشد جنگست. اگر شما میخواستید مردمان آسوده باشند باید بیکدیگر جنگ را بدیدید. می گوئیم: این سخن مانند است که کسانی میگویند: ما میبایست خود را با دشمنان می گوئیم: آدمکش را نباید کشت زیرا کشتن او نیز آدمکشست. ما میبایست خود را با دشمنان راستست که کشتن آدمکش خود نیز آدمکشست. ولی بیک آدمکش بیولوژیست که چار مدعا و هزارها آدمکش را تواند گرفت. بآنگسان نیز باید گفت: راستست که جنگ بهرانی که باشد جنگ است. ولی برخی جنگها بسیار سودمندست که چار مدعا و هزارها جنگ را تواند گرفت. ما که از نام جنگ گریزان نیسیم ما از زبان آن گریزیم و اگر جنگهای زبان ندارد و سود دارد بهره به شایرم.

شکست از سه اینها سخن آنکست که در مجلس غرور شوق های پرچم گرفته و چنین گفته: «پیشوای ما جنگ را حرام کرده» من ندانم حرام کردن جنگ چه معنی دارد. مثلا اگر بگفتند تراجگران و آدمکشان (همچون افراد رشایه) بیک آبدی ریخته آبا مردم باید در جلو آنان دست بسته باشند و دفاعی نکنند تا آنان آسوده و بی دوشم کار خود را بپایان رسانند. اگر حرام کردن جنگ منتهی است که بسیار بیسی و خود دلیل نقیض آن پیشوایان دیگری دارد بهتر است شرح دهند تا ما نیز آگاه باشیم.

### جبهه دوم

۲-۱

#### ۴- جنگ با ایران نزدیک میشود

امروز بیکدیگر میگویند که باید تعصبات ما را بخود مشغول گردانند و بیکدیگر دشمنی بکنند. بایران است آلمانها بیکدیگر میروند و چنانکه در ادبها و این دو روزها آگاهی میدهند سیاه میباید ایشان بیکدیگر گریز گاههای مهم کوششهای نظامی (گره دایانها) را در جلو خود قرار دهند که اگر آلمانها دست بیاورند چه اشکالات دفاع غروری خواهد افزود و بیشرقت آلمانها صورت بهیمنی بخود خواهند گرفت.

اگرچه آلمانها در تقابل با میان ملل و منتهایی که در راه جلاز سبیل خودی دیده اند مصافح خواهند گردید و چه بسا ملل و ملت در اینها پیشتر و اشکالات منطقی بهیمنی باشد. از آنسوی آلمانها بر فرض دست یافتن به تقابل معنیها دست خواهند کشید تا پای خود را در آلمانها استوار گردانند و بگمان ما تا پیشتر های دوری سیاه را هم بدست بیآورند استقرارشان در تقابل ثابت خواهد شد.

و از آنسوی چون رستمان در پی نزدیک استایل دیگر توفی در پیشرفت های جنگی آنها رخ خواهد داد. اینست قضیه بآن سببست که مردم می پندارند نیست. اساسا چنانکه گفتیم در پیش بینیهای جنگی بسیار دور توان رفت و راستی آنست که آلمانها جز خدا کسی نمیداند. از آنسوی بیک نکته ای را که مردم بهیمنی نمی آورند آنست که آلمان و رستمان او هر چه پیش میروند و غیر ما میگردند از عراق خود دورتر میگردند و با رها شدن هر چه سنگین تر میشود.

با اینحال باید بیکدیگر گفت که آلمانها در آوزوی بیشرقت بهیمنی شرق می باشند و اگر در تقابل جای بایستی استوار گردانند بیکدیگر دو بایران خواهند آورد بیکدیگر تانک میباید پیش خواهند رفت. آن آوزوی را که بهیمنی و کثرت و دیگر جانشینان او داشته و بسیار نیز بایلتون در دل می پرورند و پیمان ایشان تا سر در آمد (منصوب دست یافتن بهیمنی و بیرون کردن انگلیس از آفغانستان)

### ۲۳ اوت یا عید ترکیه

۲-۱

امروز که بیست و سوم اوتست یکی از روزهای تاریخی ترکیه شمرده میشود زیرا بیست و یک سال پیش از این (در سال ۱۹۱۹) در چنین روزی مصطفی کمال پاشا گزار ترکیه کنونی (که سیم نام آناتورک را برای خود پذیرفت) در آسیای کوچک پس از ۴۱ شبانه روز جنگ منوالی و یونانیان بهیمنی دست و چون این فتح و فیروزی استقلال ترکیه را تأمین کرده توده ترک آن را بیک روز تاریخی گردانیدند و هر سال در آن باقی از آناتورک و از کارهای اومی بایند و ارچشاسی نشان میدهند. بیکدیگر فرماندهان میله ترک دو آنجکه ها صحت اینگونه بوده که اکنون بیکدیگر آناتورک رئیس جمهور ترکیه میباشد.

چون توده ترک مسلح ما و در میانه روابط دوستی برقرار است ما نیز باین چند سطر حرکت خود را در جشن و شادی آن توده میزنیم. تاریخی با شکار می آوریم و همیشه فیروزی و سر بلندی آن توده را خواهیم ستود.

توان گفت که در دل یغیایان کنونی آلمان و آلمانها باشد و چنان قصدی را دنبال نکنند. اگرچه امروز زمان بیشرکت بلور گولنایلتون نیست و در میانه فرقهایی بسیاری میداشند. امروز رستمان تکانی بخود داده و گذشته از علاقه مندان بیکدیگر دارای آتیه خود بر میان دارای ترم و نیرو میباشد. با اینحال بیکدیگر گفت که بیکدیگر از رستمان دست یافتن بایست و آلمانها اگر بتوانند بیکدیگر تا آجا پیش خواهند رفت بهیمنی که زیابون در آن روز رستمان در انتظار رسیدن بایست.

غالب آنکه اگر اشکالات را در نظر بگیریم گمان بسیار بر آنست که جنگ با یغیایان بهیمنی خود و بیوسی ما آورده است و اگر ما از اشکالات دیگری چشم پوشیم این اندازه بیکدیگر است که اگر آلمانها بیکدیگر دست یافته متفقین در ایران برای جلوگیری از آنان آمده خواهند گردید و اینها بیکدیگر از لشکر کاهای بزرگ جنگ خواهند شد.

### بنامه آقای مصدعی امام - از اهواز

چرا در کشور گندم خیز ایران

گندم کم آمده؟  
خواننده گرامی پرچم اگر تا اینجا مانده من باور نکردم که طرح کم شدن تولید گندم و گرسنگی امروزی، متأسفانه از چند سال پیش ریشه شده و با نهایت زبردستی اجرا گردیده است. بشال زیر توجه فرما:

فرض کنید یک کشاورز یک غرور گندم کشت است مسلم است برای کشتن و بیل آوردن آن از تاریخ کشت تا زمان برداشت که از ششاد کمتر نیست باید دست کم یک جفت گاو و دوتن کارگر بکارهای آن ازشم زن، نیم افشاندن، آب دادن، شیش کردن، بایند، دو کردن، جمع کردن، غرس کوفتن، جدا کردن گندم از شاخه مشمول باشند چنان بپندشید که تمام این کارها شد آفت و خشکسالی هم نباشد، چون فرض کرده ایم سال غوب است معصومی که از این کشته بدست خواهد آمد بد غرور خواهد رسید.

از این ده غرور املا دو غرور بهره مالکانه است که مباشر ملک در خرنگاه خواهد برداشت یک غرور برای غر سال آینه و دو غرور برای کارموند کارگر اضافی و نلت سال کشاورز و غاروا ده شش بایستی کنار نهاده شود بانی میباید پنج غرور.

اگر قانون ثبت ملک کردن کشاورز را بپست بود و بامورین مالیت صدی سه و عوارض قیامند ده دروازه ما چون موکلان دوزخ جلوش را می گرفتند کشاورز مزاد گندم خود را متعجباً با گاو و خر خود بشهر میآورد و با نرخ کیلویی ۷۵ دینار با کمی بیشتر و کمتر میروشت و از حاصل فروش نزدیک یک هزار ریال عاید او میشد با این حساب در حقیقت کشاورز ۶ ماه کار کرده و از فرار روزی بیش از پنج ریال اجرت گرفته و در صورتیکه بفر سال آینه و نان سال خانه اش را هم در خانه میباشند چون سطح هزینه هنوز بواسطه وضع امصارها و شرکتها و بایرهای مامورین و سببهای بزرگ گران اینها به بالاترین بود کشاورز نام برده قدر کیلویی دو ریال چای را ۶۰۰ ریال جاوار را سری دو ریال و جیت را بیکریل و نیم خریداری آن پول میتوانست احتیاجات خود را تأمین کند و با شوی لذتی که در کشاورزان ابرامی است حال را با خوشی تمام باید برکت شادماند و سال آینه بسر برد.

اکنون چنین انگیزه کشاورز در یکی از سالهای ۳۱۶ تا ۱۳۲۱ این یک غرور گندم را کشته و کشته اش هم معطوف بلر داده است. ناچار برای دفع نیازمندی باید پنج غرور گندم ماراد را بشهر بیآورد و به تثبیت فله بپروشد. بپایند حساب کنیم و بیسیم از حاصل فروش املا بکثرت و بپایند عایدش میشود و آگاهی برای هزینه عایش بدست میآورد.

اداره ثبت ملک گندم را در ده که بهیمنی یکدیگر زارع را ناچار میکرد محصول خود را بهیمنی آورده بایار دولتی تحویل نماید. برای حمل پنج غرور گندم بشهر املا بارده و الا و پنج تفت شرکعی لازم بود و اگر دوری ده از مرکز جمع آوری فله بیش از ده فرسخ فرض کنیم دست کم کرایه آنها ۷۵ ریال میشد. بپایند مالیت صدی سه و عوارض قیامنداری هم املا ۵۰۰ ریال از برای پس از مصطفی زید در دروازه و وصولی گردید که بیکدیگر این مبلغ تمام بپایند و بیشرقت اگر این نکته را تصدیق ندارید روزی چند ساعتی دم بیکدیگر از دروازه ها بپایند و در رفتار تحصیلداران فله تانیه تا آنجکه وضع زندگی تحصیلداران را با شوق کم آنان ببینید.

زارع بیچاره پس از پرداختت بپایند و بیکدیگر بیکدیگر تانیه تا آنجکه وضع زندگی تحصیلداران را با شوق کم آنان ببینید. زارع بیچاره پس از پرداختت بپایند و بیکدیگر بیکدیگر تانیه تا آنجکه وضع زندگی تحصیلداران را با شوق کم آنان ببینید. زارع بیچاره پس از پرداختت بپایند و بیکدیگر بیکدیگر تانیه تا آنجکه وضع زندگی تحصیلداران را با شوق کم آنان ببینید.

چهارم: در ده که بهیمنی یکدیگر زارع را ناچار میکرد محصول خود را بهیمنی آورده بایار دولتی تحویل نماید. برای حمل پنج غرور گندم بشهر املا بارده و الا و پنج تفت شرکعی لازم بود و اگر دوری ده از مرکز جمع آوری فله بیش از ده فرسخ فرض کنیم دست کم کرایه آنها ۷۵ ریال میشد. بپایند مالیت صدی سه و عوارض قیامنداری هم املا ۵۰۰ ریال از برای پس از مصطفی زید در دروازه و وصولی گردید که بیکدیگر این مبلغ تمام بپایند و بیشرقت اگر این نکته را تصدیق ندارید روزی چند ساعتی دم بیکدیگر از دروازه ها بپایند و در رفتار تحصیلداران فله تانیه تا آنجکه وضع زندگی تحصیلداران را با شوق کم آنان ببینید.

چهارم: در ده که بهیمنی یکدیگر زارع را ناچار میکرد محصول خود را بهیمنی آورده بایار دولتی تحویل نماید. برای حمل پنج غرور گندم بشهر املا بارده و الا و پنج تفت شرکعی لازم بود و اگر دوری ده از مرکز جمع آوری فله بیش از ده فرسخ فرض کنیم دست کم کرایه آنها ۷۵ ریال میشد. بپایند مالیت صدی سه و عوارض قیامنداری هم املا ۵۰۰ ریال از برای پس از مصطفی زید در دروازه و وصولی گردید که بیکدیگر این مبلغ تمام بپایند و بیشرقت اگر این نکته را تصدیق ندارید روزی چند ساعتی دم بیکدیگر از دروازه ها بپایند و در رفتار تحصیلداران فله تانیه تا آنجکه وضع زندگی تحصیلداران را با شوق کم آنان ببینید.

### گروه سوم

چون جنبش مشروطه

پیشرفت کسانی از دربار بان نیز با وی همراهی نموده که یکی از آنها آقای وثوق الدوله و برادرش آقای قوام السلطنه بود که از درباریان شمرده می شدند.

وثوق الدوله دو مجلس اول یکی از نمایندگان بود و دو کیسوتها و در گردادن قانونها هوش و فهم بسیاری از خود نشان میداد و این بود روز بروز بنامش گردید. پس از برآمدن مصلحت طبعی را که در پیروشته بدست آزادی خواهان افتاد آقای وثوق الدوله وزارت رسید و در کابینه مصمص السلطنه که مصلحت بدو وضع التناوب گردید او وزیر خارجه بود و آن تقاضا بیشتر با دست او انجام گرفت. از اینجا در میان آزادخواهان بدنام شد که هر زمان که وزارت می یافت و با کابینه بر بسا میکرد آنها مخالفت می نمودند و داستان پستان ۱۹۱۹ را هم می دانند. بهر حال وثوق الدوله از کسبیت که ناشی از تاریخ مشروطه برده میشود.

این عکس نیز از همان زمان جوانی اوست که در جنبش مشروطه دخالت می کرد.

### وثوق الدوله



چنانکه از رشت آگاهی داده اند آینه که ششم شهریور است آزادخواهان گیلان بنام یاد آوردی از شادروان میرزا کوچیکان بنیاد گزار غریب چنگل و ارچشاسی از کوششهای او بر سر خاکش خوانند رفت نمایران از راه دور در آن احساسات و ارچشاسی شرکت جسته باین چند سطر میاندوت میروزم و امروز عکس آن شادروان را در روزنامه خود می آوریم.

میرزا کوچیکان با یک دل پاک و اندیشه بزرگ و بیکدیگر و مردانگی کم مانده غریب چنگل را بنیاد گراشت و سالیها در راه آن راجها برد و سر اسباب جان خود را در آن وامیافت. ولی ناهای عشیه در تاریخ بلز خواهد ماند و همیشه مهر او در دلهای ایرانیان پایدار خواهد بود.



فلسه باشد آبا با این گرانی کالام بواسطه این بول کم میتوان بیکدیگر از احتیاجات ضروری سائل خود را فراهم ساخت: آبا کسی حاضر میشود کالای دزدی و قاچاق را باین تریبی که گفتیم بپروشد. با این رویه جنبی بود که سرمایه زارعین را متضرر از دستشان گرفتیم و آنان را ناچار گردیم گروه گروه بشهر ها هجوم آورند و بعضی مشغول هلکی و نوکری شوند بسیاری نیز روزگار را بگدایی بسر ببرند.

اگر نمی پذیرد پس بگوئید این گروه های آینه گداه که با چهره زود و بزمه لعت و گرسنه در هر کوفه و کافه می بینید از کجا آمده اند؟ اینها کارگر امروز در راه سلاویه و بلندی که شکشان را سر نی کشند مشغول کارند اهل کدام کشورند؟

میگویند تعدیات امپراطریه انحصار مشولین نظام وظیفه موجب پراکندگی کشاورزان شده. میگویند اینها جای خود درست است لیکن ربه اسالی قلت تولید باین آوردن اجاری در آبه زارع و بالا بردن هزینه عمومی بوده که کشاورز را باین روز میله نشاند و ما را بابت گرسنگی دچار سالت است متکی تعدیات امپیه و طریقه اسفل مشولین و کاه غریب لوتش دو حکم روزن زینت سالا تلخ و زهر ناک تثبیت غلبه بود که رای کشاورز بیچاره تهیه دیده بودند. گفتگو را اینکه چرا اینکار را کرده و منظور از این سیاست دوزخی که منجر بنا بودی این کشور











